

## «حلقات»

# درس 39

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی  
آموزشیار: آقای طیبی

## مقدمه

در درس‌های گذشته، بحث‌هایی پیرامون دایره حجیت اخبار ذکر شد. در پایان درس قبلی نتیجه گرفتیم که قاعده تسامح در ادله سنن مستفاد از اخبار من بلغ نیست تا بتواند دایره حجیت اخبار را در ناحیه احکام غیرالزامیه توسعه دهد.

در این درس با اقسام دلالت ادله شرعیه بر معانی خود، آشنا می‌شویم.

فراگیری این درس، دانش پژوه را با اقسام دلیل شرعی آشنا می‌کند تا با شناخت این ادله، احکام آن‌ها را بهتر فرا بگیرد.

مرور بحث مجمل و مبین از کتاب اصول فقه مرحوم مظفر (ره) می‌تواند به فهم بهتر و دقیق‌تر این درس کمک کند.

## متن درس

### أقسام الدلالة:

الدليل الشرعي قد يكون مدلوله مردداً بين امرين، أو أمور، و كلها متكافئة في نسبتها إليه، و هذا هو المجمل، و قد يكون مدلوله متعيناً في امر محدد و لا يحتمل مدلولاً آخر بدلا عنه، و هذا هو النص، و قد يكون قابلاً لأحد مدلولين، و لكن واحداً منهما هو الظاهر عرفاً، و المنسب إلى ذهن الإنسان العرفي، و هذا هو الدليل الظاهر.

اما المجمل فيكون حجة في إثبات الجامع بين الاحتمالات إذا كان له على إجماله أثر قابل للتنجيز ما لم يحصل سبب من الخارج يبطل هذا التنجيز،

### انواع دلالت ادله شرعیه

غرض از وضع الفاظ ، حاکی بودنشان از معانی و مفاهیم در ذهن انسان است تا به وسیله آنها «تفاهم» صورت پذیرد، ولی نحوه دلالت الفاظ بر معانی مختلف است؛ یعنی این گونه نیست که همیشه غرض متکلم به طور کامل از کلامش فهمیده شود .

چگونگی دلالت ادله شرعیه بر معانی خود، مانند سایر کلام‌های عرفی صورت‌های گوناگونی دارد. اقسام دلالت دلیل شرعی بر معنای خود را می توان به شکل نموداری زیر تبیین کرد:



sco1:5:48

## چند نکته

1. مقسم در این تقسیم، «دلیل شرعی» است و وجه تقسیم، چگونگی دلالت دلیل شرعی بر معانی قابل حمل بر آن دلیل می‌باشد. از این رو با عناوین دلیل شرعی نص، دلیل شرعی ظاهر، دلیل شرعی مجمل، این دلایل را مورد خطاب قرار می‌دهیم.
  2. این اصطلاحات سه گانه نسبی هستند؛ یعنی یک دلیل در عین حال که نص است می‌تواند ظاهر و یا مجمل باشد، البته با جهت‌های مختلف.
- مثال عرفی :** اگر مولا به عبدش بگوید: «جِئْنِي بِلْبَسٍ مُفْتَرَسٍ فِي السَّاعَةِ الْعَاشِرَةِ» توضیح این سه اصطلاح بدین گونه خواهد بود:

**ظاهر :** دراین عبارت مولا از صیغه امر (جئنی) استفاده کرده است که ظاهر در وجوب است، زیرا از بین سایر معانی صیغه امر، وجوب، اقرب و متبادر به ذهن است. اما صیغه امر، نص در وجوب نیست، چون صیغه امر معنای دیگری - هر چند ضعیف‌تر - به نام استحباب دارد.

**نص :** همین عبارت به نسبت آنچه که آوردنش واجب است (حیوان مفترس)، نص است. چون اسد- هر چند که احتمال داشت معنای مجازی دیگری مثل «مرد شجاع» داشته باشد - در این عبارت با اضافه شدن قید «مفترس» فقط بر «شیر جنگلی» قابل انطباق است و هیچ‌گونه احتمال دیگری به ذهن خطور نمی‌کند.

**مجمل :** این عبارت نسبت به قید «فِي السَّاعَةِ الْعَاشِرَةِ» مجمل است، چون «فِي السَّاعَةِ الْعَاشِرَةِ» مردد بین دو معنا است؛ یکی ساعت ده صبح و دیگری ده شب، که هیچ کدام اقرب به ذهن نیست. پس مراد مولا نسبت به این قید برای مخاطب معلوم نیست و عبارت از این جهت اجمال دارد.

Sco2: 17: 47

### حجیت این سه دلیل

در درس‌های آینده به طور مبسوط به بحث از حجیت دلیلی ظاهر خواهیم پرداخت و به بحث حجیت دلیل نص نیز اشاره خواهیم کرد.  
در این درس از باب مقدمه، مطالبی درباره حجیت دلیل مجمل ارائه خواهد شد.

### حجیت دلیل مجمل

دلیل مجمل در صورت وجود مقتضی و فقدان مانع، منجز تکلیف می‌باشد و می‌تواند تکلیفی را برای مکلف اثبات کند. لازم به ذکر است که تنجیز در جایی مطرح است که مفاد دلیل تکلیف وجود داشته باشد و دلیل، تکلیفی را اثبات کند.  
در درس آینده از موانع تنجیز تکلیف بحث خواهد شد. اما در این جا این سؤال مطرح است که مجمل در چه صورتی واجد شرایط اقتضاء تنجیز می‌شود؟

## مَجْمَل

گاهی دلیلی اجمال دارد ولی اجمال آن بگونه‌ای است که می‌تواند مکلف را به نحو اجمالی عالم به تکلیف بکند.

**مثال عرفی :** مولی به مکلف گفته "جَنَّتِي بَعِينٌ" و عین مردد بین سه معنا (شیر جنگلی، طلا و نقره) است و این سه معنا هیچکدام اقرب به ذهن نیست و همه در يك سطحند.

**حکم این فرض :** در این صورت مکلف اجمالا علم دارد یکی از این سه فعل بر او واجب شده است و مقتضای منجزیت علم اجمالی این است که مکلف هر سه فعل را از باب احتیاط انجام دهد تا تکلیف مدنظر مولا را به یقین امتثال کرده باشد.

اگر اجمال دلیل از جهت امر مولا باشد که نمی‌دانیم امر او در مقام طلب است یا در مقام تهدید.

**مثال عرفی :** مولا گفته "افعل" و نمی‌دانیم واقعا آن فعل مطلوب اوست یا نه، آن کار مبعوض اوست و نهی را به لسان امر بیان کرده.

**حکم این فرض :** در این حالت مقتضی برای تنجیز وجود ندارد چون بین فعل (مقام طلب) و عدم همان فعل (مقام تهدید) هیچ جامع مشترکی وجود ندارد تا مکلف احتیاطاً آن را امتثال کند، در حقیقت مکلف متحیر می‌ماند و هیچگونه تکلیفی بر او ثابت نمی‌شود.

sco3:27:14

## چکیده

1. نحوه دلالت ادله شرعیه بر معانی خود، مانند سایر کلام‌های عرفی، صورت‌های گوناگونی دارد. اقسام دلیل شرعی عبارتند از: دلیل شرعی نص، دلیل شرعی ظاهر، دلیل شرعی مجمل.
2. در دلیل شرعی نص، معنای قابل حمل از لفظ فقط یکی است و معنای دیگری محتمل نیست.
3. در دلیل شرعی نص، یکی از معانی نسبت به سایرین تبادر و انسباق دارد و اقرب به ذهن اهل لغت است.
4. در دلیل شرعی مجمل، هیچ‌کدام از معانی بر دیگری امتیاز ندارد و موقع شنیدن لفظ هیچ‌کدام از دیگری سبقت نمی‌گیرند و همه در یک سطح هستند.
5. این اصطلاحات سه گانه، نسبی هستند؛ یعنی یک دلیل در عین حال که نص است، می‌تواند از جهت دیگر ظاهر و یا مجمل باشد.
6. دلیل مجمل در صورت وجود مقتضی و فقدان مانع، منجز تکلیف می‌باشد و می‌تواند تکلیفی را برای مکلف اثبات کند (تنجیز در جایی مطرح است که مفاد دلیل تکلیف وجود داشته باشد و دلیل، اثبات کننده یک تکلیف باشد).
7. اگر اجمال دلیل از جهت امر مولا باشد، یعنی نمی‌دانیم امر او در مقام طلب است یا در مقام تهدید، در این حالت مقتضی برای تنجیز وجود ندارد. برای مثال اگر مولا گفته باشد "افعل" و ندانیم که آیا واقعا آن فعل مطلوب اوست یا این که مبعوض او بوده و تنها نهی را به لسان امر بیان کرده است.

8. گاهی دلیلی اجمال دارد، ولی اجمال آن به گونه ای است که می تواند مکلف را به نحو اجمالی، عالم به تکلیف بکند.